

## پیشی گرفتن رحمت خدا بر غضبش

سَبَّتَ رَحْمَتَهُ غَضَبَهُ: همیشه رحمت خدا بر غضبش سبقت دارد. (جوشن کبیر، فراز ۱۹)

در آیات متعددی آمده که اگر بنده طلب مغفرت کند خداوند او را اجابت کرده و او را می بخشد. آری قوم یونس (ع) نشانه های عذاب را با چشم خود دیدند و نَفْسشان در سینه حبس شد ولی با توبه واقعی این عذاب از آنها دفع گردید.

## نقش والای عالم ربّانی

در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «فَقِيَهُ وَاحِدًا أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ» یعنی تحمل یک عالم آگاه برای شیطان از هزار عابد دشوارتر است. در روایت دیگری آمده که ابلیس از مرگ احدی خوشحال نمی شود که از مرگ یک عالم خوشحال می شود.

## زندانی شدن در شکم ماهی به خاطر ترک اولی

در سوره صافات آیات ۱۳۹ و ۱۴۰ اشاره به این شده که بیرون رفتن حضرت یونس (ع) ترک اولی است چون خداوند دوست داشته است که حضرت یونس (ع) در شهر بماند ولی ترک اولی کرده است که این کار به محکوم شدن ایشان به زندانی شدن در شکم ماهی گردیده است. زمانی که با کشتی در وسط دریا بودند ماهی بزرگی راه را بر آنها بست، دهان خود را به سوی سرنشینان کشتی باز کرد که در این وقت آنها قرعه کشی کردند که قرعه سه بار به نام حضرت یونس درآمده و سرانجام یونس (ع) در شکم ماهی زندانی شد. در این مدت ماندن آن حضرت در شکم ماهی اختلاف وجود دارد ۹ ساعت یا ۴۰ روز. ولی آن حضرت سه ظلمت را تحمل کردند:

ظلمت شب، ظلمت دریا، ظلمت شکم ماهی

## وجه تسمیه سوره

در این آیه به قوم یونس علیه السلام اشاره دراد که بعد از فنا و پذیرفتن دعوت پیامبر زمانشان چگونه زمینه بلا و عذاب الهی بر آنه فراهم شد، ولی توبه کردند و همین توبه باعث دفع این بلا و عذاب شد به همین دلیل این سوره، سوره یونس نام گرفته است.

«نفرین حضرت یونس (ع)»

حضرت یونس (ع) از پیامبران خداست. در سن سی سالگی به پیامبری مبعوث شدند قریب به ۴۰ سال قوم خود را دعوت به توحید کرده، اما تنها دو نفر به نام های «تنوخا» و «ملیخا» که عابد و دیگری به نام «روبیل» که عالم بود به، ن حضرت ایمان آوردند. عاقبت حضرت یونس (ع) قوم خود را نفرین کرد و از خدا درخواست عذاب الهی کرد که خداوند نیز اجابت کرده و زمان عذاب الهی را به آن حضرت ابلاغ فرمودند. حضرت یونس (ع) نزد ایندو رفته و فرمودند که قوم خود را نفرین کردم؛ عابد اظهار خوشحالی کرد و گفت کار خوبی کردی ولی عالم گفت: عجله کردید و باید صبر می کردید. حضرت یونس (ع) گفتند: «این قوم ایمان نمی آورند».

## انجام حجت حضرت یونس با مردم زمان خود

برای آخرین بار حضرت یونس (ع) در میان قوم خود آمد و هشدارشان داد ولی مردم بازهم قبول نکردند. در روز عذاب یونس (ع) و تنوخا از شهر بیرون رفته و مرد عالم «روبیل» همانجا ماند. همانجا ماند تا فکری کند. به مردم گفت: «اطفال شیرخوار را از مادران جدا کرده و حیوانات را نیز با خود به بیابان ببرید و در محضر خداوند گریه و تضرع کنید، تا خدا عذاب را از شما دفع کند». مردم با اینکه این کار را انجام دادند ولی زمان عذاب فرارسید و نشانه های آن پدیدار شد اما با دریای عفو رحمت خدا این عذاب از این مردم دفع شد.

## تابش آفتاب رحمت

## از طلب مغفرت

## تفسیر آیه ۹۸

## سوره مبارکه یونس

﴿فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا

أَيْمَانُهَا أَلَّا قَوْمٌ يُؤْنَسَ لَمَّا آمَنُوا

أَسَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۹۸﴾

تهیه و تنظیم: بهاره فرجی - طلبه سطح ۲

مدرسه علمیه هاجر خمین

## ذکر تسبیح در شکم ماهی باعث نجات او شد

در میان ظلمات دائماً مشغول ذکر خدا بود. ولی بر اثر مداومت بر این ذکر نجات یافت که معروف به ذکر یونسیه است: «... لا إله إلا أنت سبحانك إنِّي كنتُ من الظَّالِمین» (انبیاء، آیه ۶۹)

## یک ترک اولی آن همه رنج و بلا

حضرت یونس (ع) یک ترک اولی کرد و آن همه رنج و بلا کشید. حال مسیر عبودیت و بندگی آنچنان دقیق است که کوچکترین لغزش باعث گرفتاری می شود.

پدر بزرگ ما حضرت آدم (ع) با خوردن میوه آن درخت ممنوعه که از آن نهی شد از آن مقام بالا به پایین کشیده شده و از آسمان به زمین آمد که به خاطر همین ترک اولی در محضر خداوند بود. «یا آدم اخرج من جوارئ فیانه لا یجاورئی أحدٌ عَصانی» ای آدم! از جوار من بیرون شو که نافرمانان راهی به جوار من ندارند.

به زمین آمد در حالی که بدنش سیاه شده بود، تحمل این عذاب برایش سخت بود، به درگاه خدا نالیدند؛ ندا آمد روز ۱۳ ماه را روزه بگیر یک سوم بدنش سفید شد، به همین ترتیب ۱۴، دو سوم و ۱۵ ماه تمام بدنش سفید شد. به همین خاطر روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ماه را ایام البیض «روزهای سفید» می نامند که روزه گرفتن در این روزها استحباب ویژه ای دارد.

## آیا عبرت نمی گیریم؟

دیدیم که یک ترک اولی با حضرت آدم (ع) چه کرد و برای جناب یونس (ع) چه گرفتاری هایی پیش آورد. کسی خدمت امام صادق (ع) رسید و گفت: «مردی مرتکب گناهان می شوند و می گویند امیدواریم به رحمت خدا و شفاعت اولیای خدا و تا آخر عمرشان به همین اعتقاد و عمل ادامه می دهند.»

امام صادق (ع) فرمودند: «اینها مردمی هستند که در میان آرزوها در رفت و آمدند.» امام علیه السلام فرمودند: «این مردم مدعی رجاء هستند مانند همان بچه های سوار بر طناب در میان آرزوها و اهواء نفسانی خود در رفت و آمدند.»

«اگر اینان رجاء بهشت دنبالش نمی روند و اگر از جهنم می ترسند چرا به سویس می روند؟! تنها حرف بهشت و جهنم می زنند در واقع نه طالب بهشت هستند نه هارب از جهنم.»



## شیعیان حقیقی ما اندک هستند

مردی به نام ابوالصباح کنانی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: «ما به خاطر انتساب به شما از مردم چه ها که می کشیم.»

امام علیه السلام فرمودند: «از مردم به خاطر من چه می کشید؟!»

گفت: «ما با هر که حرفمان می شود! می گویند ای جعفری خبیث»

امام علیه السلام فرمودند: «آیا مردم به خاطر من شما را سرزنش می کنند و من مایه ی عیب و ننگ شما شده ام.» ابوالصباح گفت: «بله»

امام علیه السلام فرمودند: «به خدا قسم چه بسیار اندکند کسانی از شما که پیروی از جعفر می کنند، از اصحاب من کسانی هستند که ورع شدید دارند و برای خالقشان کاری می کنند و امید ثواب او را دارند اینانند اصحاب من»

(کافی، جلد ۲، ص ۷۷)

## منبع

سلسله مباحث تفسیری آیت الله سید محمد ضیاء آبادی